

پول می دی یا بز نمت؟!

● ای وای خدا مرگم بده! چی شده مرد؟! چرا لباسات پاره پوره شده؟! چرا خونی مالی شدی؟! همه جات زخم و زبلی شده که! تصادف کردی یا باز با کسی دعوات شده؟! خدا بکشت که هر روز یک مصیبتی درست می کنی!

● چی بگم زن؟! از کج بگم؟! ضعیفم داشتم مرفتم سر کار، پشت چراغ قرمز واسیده بودم که ناخن یک بچه خردو بایک لته ناشور کیشید به شیشه ماشین و گفتگ پول بده. گفتم برویره، شیشه م ر ناشورتر کردی، پول نمدم. اویم پزید یختم ر قایم گیریت و لباس بزم ر چر داد و تا پول بزش ندادم، ول نداد! واز دم در ادا زما بودم که برگه آمد گفتگ پول بده، گفتم برویره پولم کجه بود که ناخن هم سینی چاییار چنه کرد رو کلم و هموجور که مو پال پالک مزدم، پولام ر از م گیریت. واز ظهرا از اداره آمدم بیرون جولو در یک زنه با بچه خردو به بگلش و یک نقسه از آلکی به دستش جولوم ر گیریت که پول بده داردوا بیگیرم، مویم گفتم ندرم برگه. اویم جغ کیشید که ای مرد که ناسوس مزاحتم رفته. مردم رختن یک جنتا گرمشت پزم زدن و تا پول به زتکه ندادم، ولم ندادن. اینجه جولو در خنه نیم یک پیروزالی دلنگونم زفت که گشمنه پزم شله بخر بخورم. گفتم مو خودم یک سال شله نخوردم. اویم باهم کله ونگ رفت و تا پول یک قلفت شله ر پرش کارت به کارت نکرده، ولم نداد.

● می فهمم مرد! مردم هم تقصیری ندارن خب! نشنیدی که استنادارمون گفته «خراسانی ها ۳۰ درصد فقیرتر از میانگین کشوری»؟! حالام عیبی نداره، پاشو برو دست و بالت رو بشور و لباسات رو عوض کن بیا هرچی پول برات مونده رو بده به من که می خوام برم خرید، وگرنه همچین می زنت که این دفعه دیگه از جات بلند نشی!



صفحه ۲
۴ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۱۳۰

مشه ایچوره؟!

خسرو آبادیان

تنظیم بازار از پشت وانت!



بهمن ۱۴۰۳: دولت برای تنظیم بازار کیسه های سیب زمینی های وارداتی را با وانت در سطح شهرها توزیع می کند.

فروردین ۱۴۰۴: یکی از مسئولان جهاد کشاورزی گفت: همیشه وقتی دولت وارد تنظیم بازار می شد، قیمت به جای کاهش افزایش هم پیدا می کرد، اما این بار زیاد نشد! یعنی ما در تنظیم وانتی بازار کاملا موفق بوده ایم.

اردیبهشت ۱۴۰۴: برخی رسانه های مشهد اعلام کردند پس از تجربه موفق در زمینه تنظیم بازار با وانت، قرار است آلودگی هوا هم با وانت هایی که پشتشان جاروبرقی نصب است، تنظیم شود، به این نحو که با جاروبرقی عقب وانت ریزگردها و ذرات معلق هوای آلوده گرفته شود. اما این خبر تکذیب شد و یک مسئول گفت ما برای مقابله با آلودگی هوا از وانت استفاده می کنیم، ولی به این صورت که مردم عقب وانت سوار شوند و آن ها را از شهر مشهد ببریم طبقه و شانندیز.

خرداد ۱۴۰۴: سازمان غذا و دارو با همکاری جهاد کشاورزی یک توافق نامه همکاری امضا کردند. طبق این توافق در سطح شهرها یک گاو شیرده را سوار وانت می کنند و چنانچه فردی شیر خواست، می تواند خودش سوار وانت شود و گاو را بدو شد و بریزد توی قابلمه تا واسطه ها حذف شوند و شیر به صورت کاملا مستقیم به دست مصرف کننده برسد. بر اساس مفاد این توافق اگر کسی ظرف هم همراهش نبود عیبی ندارد. می تواند سوار وانت شود و خودش شیر بدو شد.

اپوزسیون مازار

ماهی جوان

مرغ همسایه تهم طلای گنار

● در خبرها داشتیم چند روز پیش یکی از پروازهای ایران ۴۵ دقیقه تأخیر داشت...
● الو؟ عنتر نشنال؟
● بله، یک هموطن دغدغه مند تماس گرفته! بفرمایید!
● داداش اونجا هواپیماها چپ می کنن، به همدیگه می خورن، اونا رو نمی گی؟
● روزی هزارتا ماشین چپ می کنن، چه اشکالی دارد؟ اصلا از قدیم گفته اند ماشین برای تصادف است! ماشین وسیله نقلیه است، هواپیما هم وسیله نقلیه است.
● خب الان به هواپیما تو ایران پنجر بشه شما اونجا خودتون رو... سرویس نمی کنین؟ نمی شه که! خودت می گی وسیله نقلیه است دیگه.
● نه. نشد. فرق می کنه! تا همکاران تلفن شما رو قطع می کنن توضیح می دم! اینجامثل ایران نیست که سالی یک هواپیما از آسمان بگذرد و همان هم کلی تأخیر داشته باشد! هم وطن، چشم ها را بشور، جور دیگر ببین! و قتمون داره تموم می شه! خدا نگهدار.



کن تو زنج

منصوره احمدی

ورود امیر قطر به تهران



۱ اینا مگه همه باهم توی یک هواپیما نبودن؟ چرا دوباره دارن با هم سلام علیک می کنن؟
۲ واسه تو ایشه لاید، اینا رو ولش کنین، نیگا، امیر قطره ها، ولی با دمپایی سوار هواپیما شده قربان.
۳ عه؟! راستی راستی با صندل اومده ها! حالا ما بودیم، تا از هواپیما پیاده مون نمی کردن، راننده حرکت نمی کرد.

رئیس جمهور در جلسه ارزی مجلس شورای اسلامی



۱ می گن جلسه ارزی، چرا همتی و فرزین رو با خودتون نیاوردین قربان؟
۲ بگو یکی شون امتحان داره فردا، اون یکی هم چه می دونم، گلودرده!

استقبال رسمی از نخست وزیر جمهوری تاجیکستان (۲)



۱ رنگ بزن اداره ت، بگو برق سعادت آباد رو یک ساعتی قطع نکنن، مهمون داریم، اپرویزی نشه.
۲ چشم، شانسو می بینی؟ توی جدول خاموشی هم امروز توی قطع سعادت آده!

استقبال رسمی از نخست وزیر جمهوری تاجیکستان (۱)



۱ ماشا لاسمت شمام خوب برف اومده! ایشالا مشکل کمبود ممبرد انرژی که ندارین؟
۲ کمبود؟ اونم انرژی؟ ای آقا حرفا می زنین ها! نه بابا! کمبود کجا بود؟